
اصول و مبانی فقهی و اقتصادی ابزارهای مالی اسلامی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دیدگاه عمومی اسلام پیرامون قراردادهای جدید مالی

مطالعه دقیق تعالیم اسلام نشان می‌دهد، نه تنها دین اسلام، مسلمانان را در چارچوب قراردادهای خاص محصور نکرده و همه قراردادهای عقلایی را با رعایت معیارها و ضوابطی جایز می‌داند بلکه فراتر از این، با ارائه خطوط کلی اندیشمندان را به تفکر و تأمل و طراحی ابزارهای نوین مالی و ابداع قراردادهای متناسب با عصر و زمان خود فرا می‌خواند.

اصل صحت قراردادهای جدید

■ همه فقیهان شیعه با قطع نظر از ادله اجتهادی (آیات و روایات) باب معاملات، بر این باورند که مقتضای اصل اولی در قراردادهای مالی، فساد است. به این معنی که اگر در صحت شرعی قراردادی شک و تردید باشد، از نظر شرع اثر مطلوب و مقصود بر آن قرارداد بار نمی‌شود.

■ اکثر فقیهان متأخر اعتقاد به تغییر اصل اولی فساد در معاملات داشته و معتقدند: اطلاقات و عمومات کتاب و سنت دلالت می‌کند، بعد از احراز عرفی معامله، تا زمانی که دلیل خاص یا عام بر بطلان معامله نباشد معامله از نظر شرع صحیح بوده و آثار معامله بر آن مترتب می‌شود و برای طرفین لازم‌الوفا است، و در این مطلب فرقی بین معاملات رایج در صدر اسلام و معاملات جدید نیست.

ادله شرعی اصل صحت قراردادها

۱. «یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقوداً» (مائده(۵): آیه ۱).

■ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها و قرارها وفا کنید.

■ آیه، وفای به هر آنچه عرفاً عقد می‌گویند، را واجب می‌داند و شامل تمام مصادیق عرفی عقد می‌باشد و کاملترین اطلاقی است که در مقام وارد شده است. و معنای «وفای به عقد»، عمل کامل و تمام عیار به عقد و مترتب کردن آثار و لوازم عقد است.

■ بنابراین، آیه به دلالت مطابقی از مؤمنان می‌خواهد که به مقتضای هر آنچه که عرفاً عقد نامیده می‌شود وفا کنند و به آن ترتیب اثر دهند و به دلالت التزامی دلالت بر صحت هر عقد عرفی می‌کند.

■ بنابراین هرگاه در صحت شرعی قراردادی شک کنیم تا زمانی که دلیل خاص یا عامی بر بطلان آن نداشته باشیم، می‌توان با تمسک به اطلاق آیه «اوفوا بالعقود» حکم به صحت آن قرارداد کرد.

سایر ادله شرعی اصل صحت قراردادها

۲. «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء (۱۷): ۳۴).

■ به پیمان (خود) وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء (۴): ۲۹).

■ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال هم دیگر را به باطل نخورید، مگر از طریق تجارتي که با رضایت شما باشد.

۴. حدیث «المسلمون او المؤمنون عند شروطهم».

۵. حدیث «الناس مسلطون علی اموالهم».

۶. سیره شارع و متشرعه در باب معاملات

اصل صحت قراردادها در قانون ایران

- به تبع فقه اسلام، قانون مدنی ایران نیز اصل آزادی قراردادها را پذیرفته است، در ماده ۱۰ قانون مدنی، آمده است:
- «قرار دادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است.»
- به اعتقاد حقوقدانان این ماده حاوی اصل آزادی قراردادهاست و به حکومت اراده، دامنه گسترده‌ای می‌بخشد

اصل لزوم قراردادهای جدید

قراردادها را به دو گروه لازم و جایز تقسیم می‌شوند،

قرارداد لازم قراردادی است که هیچ یک از طرفین قرارداد به تنهایی

حق فسخ آن را ندارد و تنها در صورتی که هر دو طرف بخواهند

قرارداد قابل فسخ است که در اصطلاح به آن اقاله می‌گویند.

قرارداد جایز قراردادی است که هر یک از طرفین قرارداد می‌توانند

بدون رضایت دیگری اقدام به فسخ قرارداد کند.

ادله شرعی اصل لزوم قراردادها

- افزون بر ادله که در اصل صحت گذشت دلایل زیر نیز بر لزوم قراردادها دلالت می‌کنند.
- حدیث پیامبر اکرم (ص): «المؤمنون عند شروطهم» و «المسلمون عند شروطهم» .
- مومنان و مسلمانان به شرط خود پایبند هستند.
- حدیث پیامبر اکرم (ص): «لَا يَحِلُّ دَمُ امْرَأٍ وَلَا مَالُهُ إِلَّا بِطَبِئَةِ نَفْسٍ مِنْهُ»
- خون هیچ کسی به دیگری حلال نیست، مال هیچ کسی بر دیگری حلال نیست، مگر اینکه خودش با طیب خاطر رضایت دهد.

نتیجه اصل صحت و لزوم قرارداد ها

هر عهد و پیمانی که از منظر عرف و عقلا، قرارداد و عقد محسوب شود از دیدگاه شرع صحیح و لازم است مگر اینکه دلیل خاص یا عامی بر خلاف آن اقامه شود.

ضوابط عمومی قراردادهای بازار پول و سرمایه

■ افزون بر اهلیت، قصد و رضایت متعاقدین، بایستی ضوابط زیر در همه قراردادهای رعایت شود.

۱. ممنوعیت اکل مال به باطل.

۲. ممنوعیت ضرر و ضرار.

۳. ممنوعیت غرر.

۴. ممنوعیت ربا.

ضابطه اول؛ ممنوعیت اکل مال به باطل

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ» (نساء (۴): ۲۹).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اموال هم دیگر را به باطل نخورید، مگر از طریق تجارتي که با رضایت شما باشد.

این آیه در مقام ارائه دوتا قانون کلی در عرصه معاملات است.

قانون اول؛ تصرف در اموال مردم بر وجه باطل حرام و ممنوع است، بنابراین هر نوع تجاوز، تقلب، غش، دزدی، رشوه، اخذ به زور و امثال آن‌ها که از نظر عرف و عقلا گرفتن مال از طریق آن‌ها بلاوجه و باطل است و هر نوع معامله چون خرید و فروش، اجاره، صلح بر اشیائی که منفعت عقلایی ندارند، معاملاتی که به دید عقلا توان پرداخت آن‌ها نیست، از نظر اسلام، باطل و حرام می‌باشند.

قانون دوم؛ تصرف در اموال دیگران بر وجه تجارت از روی تراضی، صحیح و حلال است.

ضابطه دوّم؛ ممنوعیت ضرر و ضرار

■ پیامبر(ص) می‌فرماید: «لاضرر و لاضرار علی مؤمن».

■ هیچ ضرر و ضراری بر مؤمن نیست.

■ ضابطه دوم از ضوابط عمومی باب معاملات قاعده نفی ضرر است، این

قاعده حاکم بر تمام معاملات عقلائی است. یعنی شرع مقدس اسلام تنها

آن گروه از معاملات را تأیید می‌کند که اصل معامله، اطلاق معامله و یا

شرایط معامله، باعث ضرر و ضرار بر متعاملین یا جامعه مسلمین نشود.

ضابطه سوّم؛ ممنوعیت غرر

«نهی النبی(ص) عن بیع الغرر»

پیامبر از بیع غرری نهی کردند.

پیامبر اکرم(ص) با بیان این نهی، در صدد تنظیم روابط معاملی بین انسان‌ها است، می‌خواهد آن گروه از قراردادهای را که در اثر خدعه، غفلت و جهالت و یا هر عامل دیگری صفت غرری پیدا می‌کنند و مال یکی از طرفین معامله یا هر دو را در معرض هلاکت و نابودی قرار می‌دهند، از دایره بیع‌های مجاز خارج کرده و حکم به فساد آن‌ها کند.

مفاد قاعده این است که اسلام برای سامان دادن معاملات مردم و جلوگیری از نزاع‌ها و اختلافات، تمام معاملات غرری را باطل می‌شمارد و اگر این غرر ناشی از خدعه و نیرنگ یکی از متعاملین یا هر دو باشد علاوه بر حکم وضعی بطلان، حکم تکلیفی حرمت نیز خواهد داشت.

ضابطه چهارم؛ ممنوعیت ربا

■ شاید مهمترین و شاخص‌ترین تفاوت بین اقتصاد اسلامی با سایر اقتصادها ممنوعیت ربا از دیدگاه اسلام باشد، در حالی که ربا و بهره‌ قراردادی در تار و پود اقتصاد متعارف حضور دارد و به اشکال مختلف چون اوراق قرضه، سپرده‌ها، وام‌ها و اعتبارات بانکی، کارت‌های اعتباری، در همه ابعاد اقتصاد سرمایه‌داری جریان دارد، اسلام با شدت تمام از آن نهی کرده، از گناهان کبیره شمرده و مرتکب شونده آن را نه تنها به عقاب دردناک اخروی بیم داده به مبارزه دنیوی نیز تهدید کرده است.

دلایل ممنوعیت ربا در اسلام

■ وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا.

■ خدا داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است.

■ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ.

■ خدا از (برکت) ربا می‌کاهد و بر صدقات می‌افزاید و خداوند هیچ ناسپاس گناه کاری را دوست نمی‌دارد.

■ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُّوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ
فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تَبَتُّمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ
أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.

■ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا پروا کنید، و اگر مؤمنید، آن چه از ربا باقی مانده است واگذارید و اگر (چنین) نکردید، بدانید خدا و رسولش، با شما پیکار خواهند کرد. و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از آن خودتان است، نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.

کیفیت تحریم ربا در قرآن

- تحریم ربا در قرآن جزو مسلمات تمام فرق و مذاهب اسلامی و کسی در آن تردید ندارد.
- گروهی از مفسران تحریم ربا را همانند تحریم شرابخواری به صورت تدریجی می‌دانند. این افراد معتقدند: در عصر ظهور اسلام، رباخواری در جزیره‌العرب چنان گسترده بود که امکان تحریم دفعی آن وجود نداشت، خداوند با فرستادن آیات مختلف، ربا را مورد نکوهش قرار داد و به تدریج زمینه تحریم قاطع و فراگیر آن را فراهم نمود.
- این گروه از علما گرچه در جزئیات مسئله با هم اختلاف دارند، به طوری که بعضی از آنها مراحل تشریح را سه مرحله، برخی چهار مرحله و برخی پنج مرحله می‌دانند، لکن همگی بر این باورند که تحریم ربا به تدریج صورت گرفت. نخست به صورت موعظه و نصیحت، سپس تحریم جزئی و سرانجام به شکل قطعی و کلی تحریم شد.

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

- **مرحله اول: تحریم ربا برای پیامبر**
- برخی از قائلین به نظریه تدریج معتقدند اولین آیه‌ای که در ارتباط با ربا نازل شد، آیه ششم سوره مدثر است که خطاب به پیامبر اکرم می‌فرماید:
- **«وَلَا تَمُنَّ تَسْتَكْبِرُ» مَنِّ مَگْذَارِ و فزونی مطلب.**
- طبرسی از ابی‌مسلم نقل می‌کند که این آیه بر نهی از ربا دلالت دارد و به پیامبر می‌گوید: چیزی را عطا نکن در حالی که بیش از آن چه که داده‌ای مطالبه کنی.
- از نویسندگان متأخر نیز عبداللطیف مشهور معتقد است، این آیه اولین اشاره از طرف خداوند متعال در مورد تحریم رباست و او این برداشت را به «ابن تیمیه» نسبت می‌دهد.

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

• مرحله دوم: ناپسند شمردن رباخواری

• خداوند متعال با فرستادن آیه ۳۹ سوره روم اعلام کرد که رباخواری عملی ناپسند است:

• «وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ رَبًّا لِيَرْبُوهَا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا آتَيْتُمْ مِنْ زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ»

• این آیه اولین هشدار بود که از جانب خداوند در مورد ربا برای مردم نازل شد. در این آیه خداوند متعرض حکم تحریم ربا نمی‌شود، بلکه تنها می‌فرماید که ربا مورد پسند خدا نیست و به آن پاداش نمی‌دهد، به خلاف اموالی که در راه او به عنوان صدقه داده می‌شود که آن‌ها را برکت می‌دهد.

• بدین ترتیب خدا ادعای کسانی را رد می‌کند که می‌گفتند: «ما با دادن قرض ربوی به نیازمندان کمک می‌کنیم تا بتوانند مایحتاج زندگی‌شان را به دست آورند و از این طریق به خدا نزدیک می‌شویم».

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

• مرحله سوم: نقل حکایت عبرت آموز رباخواری یهود

• خداوند متعال در مرحله سوم در آیه ۱۶۰ سوره نساء با نقل داستان رباخواری یهود و این که آنان به خاطر این عمل ناپسند هم در دنیا جریمه شدند و هم در آخرت عذابی دردناک در انتظارشان هست، به مسلمانان هشدار داد که منتظر تشریح چنین حکمی با چنین پیامدهایی باشند:

• «فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا وَأَخَذِهِمُ الرِّبَا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»

• ظهور این آیه اگرچه در ارتباط با قوم یهود است لکن قرار گرفتن ربا در ردیف جرایمی چون ظلم، بازداشتن مردم از راه خدا و خوردن اموال مردم به ناحق که حرمتشان شدید و قطعی است و اختصاص به آیین خاصی ندارد، برای مسلمانان هشدار بود که به زودی ربا برای آنان نیز تحریم خواهد شد.

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

- مرحله چهارم: تحریم ربای فاحش
- خداوند متعال در این مرحله با فرستادن آیات ۱۳۰ و ۱۳۱ سوره آل عمران، نوع خاصی از ربا یعنی ربای فاحش را برای مسلمانان تحریم کرد و فرمود:
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ؛
- در این مرحله از تحریم ربا مصادیق خاصی از رباخواری، مصادیقی که در آنها ربا به چند برابر اصل بدهی می‌رسد (ربای فاحش و نرخ بهره‌های بالا) برای مسلمانان تحریم شد.

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

- **مرحله پنجم: تحریم قاطع و کلی ربا**
- در این مرحله خداوند با فرستادن آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ سوره بقره، به صورت قاطع، هر نوع رباخواری را ممنوع کرد و آن را از مصادیق پیکار با خدا و رسول خدا قلمداد نمود:
- **الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا.**
- **فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ .**
- **يُمَحِّقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ.**
- **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ.**

کیفیت تحریم ربا در قرآن (ادامه)

- چنان که از این آیات بر می آید، در این مرحله هر ربایی، چه فاحش و چه غیرفاحش، به صورت قاطع و روشن تحریم شد و رباخواران به انواع گرفتاری‌های دنیوی و اخروی تهدید شدند.
- مطابق نظریه تدریج، خداوند از آغاز بعثت متناسب با شرایط اجتماعی امت اسلامی، با فرستادن آیات مختلف، زمینه را برای مبارزه با پدیده شوم رباخواری که شبه جزیره عربستان را فراگرفته بود فراهم نمود و در سال‌های آخر عمر شریف پیامبر، با فرستادن آیات صریح و قاطع سوره بقره، رباخواری را از جامعه اسلامی ریشه کن کرد؛ به طوری که تا صد سال اخیر و رواج بانکداری ربوی و نفوذ نظام سرمایه‌داری در کشورهای اسلامی، ربا و رباخواری از معاصی بزرگ به حساب می‌آمد و کم‌تر کسی جرأت نزدیک شدن به آن را داشت.

ربا در سنت معصومین (ع)

- به جهت بزرگی گناه ربا و آثار آن بر فرد و جامعه، گذشته از آیات قرآن روایات زیادی از رسول خدا و ائمه اطهار در مورد این موضوع مهم نقل شده است.
- عن رسول الله (ص): شرّ المكاسب كسب الربّاء، بدترین کسبها رباخواری است.
- قال الرضا(ع): اعلم یرحمک الله أنّ الربّاء حرام سحت من الكبائر و ممّا قد وعد الله علیه النار فنعوذ بالله منها و هو محرّم علی لسان کلّ نبی و فی کلّ کتاب.
- عن علی(ع): معاشر الناس! الفقه ثم المتجر و الله الربّاء فی هذه الأمّة أخفی من دیب النمل علی الصّفا.
- قال النبی(ص): یأتی علی الناس زمان لا یبقی أحد الاّ أكل الربّاء فان لم یأكله أصابه من غباره.
- قال النبی(ص): یأتی علی الناس زمان یرتحلّ فیهِ الربّاء بالبیع و الخمر بالنّبید و السّحت بالهدیة.
- عن علی(ع): قال: لعن رسول الله(ص) الربّاء و آكله و بايعه و مشتريه و كاتبه و شاهديه.

علت تحریم ربا

- هشام بن حکم از امام صادق (ع) درباره علت تحریم ربا پرسید؛ امام فرمود: اگر ربا حلال بود، مردم تجارت و معاملات را که به آن احتیاج دارند، ترک می‌کردند، پس خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از حرام به سوی حلال و از ربا به سوی تجارت و داد و ستد روی آورند.
- امام رضا (ع) در پاسخ نامه محمد بن سنان که از حضرت سؤال‌هایی را پرسیده بود، نوشت: علت تحریم ربا این است که خداوند عزوجل از ربا نهی کرد، چون مایه تباهی اموال است، زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای یک درهم، یک درهم است و بهای دیگر باطل (و ناحق) است. پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار موجب خسارت است. خداوند عزوجل ربا را بر بندگان حرام کرد، زیرا باعث نابودی است... و علت تحریم ربا در نسیه، از بین رفتن کارهای نیک و نابودی اموال و گرایش مردم به سودجویی و رها کردن قرض است و حال آن که قرض از کارهای نیک است و نیز ربا سبب فساد و ظلم و از دست رفتن ثروت‌هاست.

انواع ربا

• ۱. ربای قرضی

- ربای قرضی چه در زمان‌های گذشته و چه در عصر حاضر، رایج‌ترین نوع ربایی است که در جوامع مختلف وجود داشته و دارد، به این صورت که فرد برای تأمین نیاز مالی، جهت امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری، تقاضای قرض می‌کند و در ضمن قرارداد، متعهد می‌شود آنچه را می‌گیرد همراه با زیاده برگرداند، بنابراین ربای قرضی، زیاده‌ای است که در قرارداد قرض شرط می‌شود.
- امام خمینی در این باره می‌گوید: شرط زیاده در قرض جایز نیست، فرقی نمی‌کند که این زیاده عینی باشد مانند ده درهم به دوازده درهم، یا کاری باشد مانند دوختن لباس برای قرض دهنده یا استفاده از منفعتی باشد مانند استفاده از عین رهنی که نزد قرض دهنده است، یا صفتی باشد مثل اینکه درهم‌های شکسته را قرض دهد و شرط کند که درهم‌های سالم بگیرد.

انواع ربا (ادامه)

• ۲. ربای معاملی

- ربای معاملی آن است که یکی از دو کالای مثل هم، با زیاده عینی به مثل دیگر فروخته شود مانند فروختن یک من گندم به دو من آن، یا به یک من آن و یک درهم، یا با زیاده حکمی مانند یک من گندم نقداً به یک من آن نسیه، و شرط آن دو چیز است.
- اول: آنکه عوض و معوض، به دید عرف از جهت جنس یکی باشد، پس هرچه که در نظر عرف بر آن گندم یا برنج یا خرما یا انگور صدق کند و حکم به یکی بودن جنس آن کنند، بیع بعضی از آن به بعضی دیگر با اضافی جایز نیست، اگر چه در صفات و خواص مختلف باشند.
- دوم: آنکه عوض و معوض از مکیل یا موزون باشد، پس در چیزی که با شمردن یا مشاهده فروخته می شود ربا نیست.

حکمت تحریم ربا در تناسب با بازارهای مالی

بررسی آیات و روایات ناظر به فلسفه تحریم ربا و توجه به معاملات مجاز نشان می‌دهد که دین اسلام با تحریم ربا به دنبال تحقق اهداف زیر می‌باشد:

۱. گسترش انواع روابط خیرخواهانه چون انفاقات، صدقات، اوقاف و قرض الحسنه.
۲. گسترش انواع معاملات تجاری چون بیع، اجاره، جعاله و سلف.
۳. گسترش انواع مشارکت‌ها چون شرکت، مضاربه، مزارعه.
۴. گسترش سرمایه‌گذاری‌های مستقیم اقتصادی.

اصول و معیارهای اقتصاد خرد ابزارهای مالی

۱. تطابق با اهداف و انگیزه‌های خریداران ابزارهای مالی

الف. اهداف و انگیزه‌های خیر خواهانه و اخروی

ب. کسب سود مادی

۲. تطابق با روحیات و سلیقه‌های خریداران ابزارهای مالی

۳. نقدینگی

۴. کارایی

اصول و معیارهای اقتصاد کلان ابزارهای مالی

۱. همسویی با رشد اقتصادی

۲. همسویی با عدالت اقتصادی

۳. قابلیت برای سیاست مالی

۴. قابلیت برای سیاست پولی

قراردادهای مورد نیاز برای طراحی ابزارهای مالی

- | | |
|-----------------------|------------|
| ۱. قرض | ۸. شرکت |
| ۲. دین | ۹. مضاربه |
| ۳. بیع | ۱۰. مزارعه |
| ۴. اجاره | ۱۱. مساقات |
| ۵. اجاره به شرط تملیک | ۱۲. صلح |
| ۶. جعاله | ۱۳. وکالت |
| ۷. استصناع | |

قرض

تعریف قرض

قرض عبارت است از اینکه مالی را به ضمان، ملک دیگری نمایند، به اینکه به عهده او باشد خود آن مال یا مثل یا قیمت آن را بپردازد.

ماهیت قرارداد قرض

قرارداد قرض قرارداد تملیکی، معاوضی و به نوعی تبرعی است. یعنی در قرارداد قرض، قرض دهنده مال را به ملکیت قرض گیرنده در می آورد و قرض گیرنده متعهد می شود عوض آنچه را قرض کرده به قرض دهنده برگرداند و در عین حال قرض، همراه با نوعی ایثار و تبرع است.

شرط زیاده، هدیه و کارمزد در قرارداد قرض

اشتراک هر نوع زیاده بر عهده قرض گیرنده ربا و حرام است، پرداخت هر نوع زیاده از طرف قرض کننده بدون شرط قبلی، به عنوان هدیه یا غیر آن، حلال و در مواردی مستحب است. گرفتن کارمزد برای عملیات اعطای قرض به ویژه زمانی که این کار توسط مراکزی مانند بانک یا صندوق قرض الحسنه ای صورت پذیرد جایز است.

دین

تعریف دین

دین، مال کلی ثابت در ذمه یک فرد به نفع دیگری است که به یکی از اسباب دین حاصل می‌شود، سبب دین دو گونه است.

الف. اختیاری، مانند قرض، بیع نسبه، اجاره و امثال اینها.

ب. قهری، مانند ضمانات، نفقه همسر دائم و مانند آنها.

کاهش دین در مقابل پرداخت زودتر

گاهی فردی از کسی به جهت بیع نسبه، سلف یا سبب دیگری، طلب مدت داری دارد و از طرفی به خاطر نیاز، دوست دارد مقداری از طلبش را صرف نظر کند تا در مقابل، زودتر از موعد مقرر آن را وصول کند، همین طور گاهی بدهکار دوست دارد در مقابل کاهش مبلغ بدهی، زودتر از موعد، دین خود را پرداخت کند. فقیهان شیعه بدون هیچ اختلافی این عمل را صحیح می‌دانند.

جریمه تأخیر در پرداخت دین

شکی نیست هر نوع افزایش مبلغ بدهی در مقابل تمدید مدت، ربا و حرام است، بحثی که هست این است که آیا طلبکار در قرارداد قرض یا غیر آن می‌تواند برای الزام بدهکار به پرداخت به موقع بدهی شرط جریمه تأخیر در پرداخت، کند؟ برخی از فقها، گرفتن هر نوع زیاده هر چند به عنوان جریمه دیر کرد را از مصادیق ربا می‌دانند، در مقابل برخی از فقها تفصیلاتی داده‌اند.

دین (ادامه)

بیع دین

یکی از مسائل مهم دین امکان خرید و فروش دیون و مطالبات مدت‌دار است، اگر بیع دین خصوصاً به کمتر از قیمت اسمی به شخص ثالث (تنزیل) صحیح باشد، راهکار مهمی جهت تأمین مالی در اختیار دولت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی قرار می‌گیرد، دولت و فعالان اقتصادی می‌توانند مطالبات مدت‌دار خود از شرکت‌ها، مؤسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی را به صورت اسناد متحدالشکل درآورده و عنداللزوم در بازار به فروش رسانند و از این طریق نیازهای کوتاه مدت خود را به نقدینگی تأمین کنند.

مشهور فقهای شیعه بیع دین را جایز و مشهور فقهای اهل سنت آن را ربا و حرام می‌شمارند.

دین (ادامه)

بیع دین در حقوق ایران

عمده بحث بیع دین در حقوق ایران در تنزیل اسناد تجاری از طرف بانک‌ها مطرح است، در حال حاضر عملیات مربوط به خرید دین بر مبنای آئین‌نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری و مقررات اجرایی آن، که در جلسه مورخ ۱۳۶۱/۸/۲۶ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و متعاقباً در شورای نگهبان نیز مطرح و به اکثریت آراء مخالف با شرع و قانون اساسی شناخته نشده است، انجام می‌پذیرد.

بیع دین به دین

طلحه بن زید در روایت موثقی از امام صادق نقل می‌کند که فرمود: «قال رسول الله: لا یباع الدین بالدین». دین در مقابل دین فروخته نمی‌شود.

بیع

تعریف بیع

بیع قراردادی است که به موجب آن هر یک از فروشنده و خریدار، مال خود را در عوض مال دیگری، به وی تملیک می‌کند.

ماهیت بیع

قرارداد بیع قرارداد معاوضی و تملیکی است یعنی بعد از پایان بیع، ثمن به ملکیت فروشنده و مبیع به ملکیت خریدار درمی‌آید.

انواع بیع به حسب بایع و مشتری

قرارداد بیع همانطور که بالا صاله از طرف مالک واقع می‌شود، با وکالت یا ولایت از یک طرف یا از دو طرف هم واقع می‌شود. اگر مال دیگری را بدون وکالت و ولایت بفروشید معامله را «بیع فضولی» می‌گویند که با اجازه مالک اصلی صحیح و گرنه باطل است.

بیع (ادامه)

قرارداد بیع از جهت زمان پرداخت عوضین به چهار نوع تقسیم می‌شود

❖ اول: بیع نقد

❖ دوم: بیع نسبه

❖ سوم: بیع سلف

❖ چهارم: بیع کالی به کالی

بیع نقد

کسی که کالایی را در مقابل مبلغی می‌فروشد اگر در قرارداد شرط مدت‌دار بودن مبیع یا ثمن را نکنند و یا تصریح به حال بودن آن دو کنند، بیع نقد و حال خواهد بود.

در بیع نقد، بایع حق دارد بعد از تسلیم مبیع، هر وقتی که بخواهد ثمن را مطالبه کند و مشتری حق امتناع ندارد کما اینکه مشتری هر وقت بخواهد ثمن را می‌پردازد و بایع حق خودداری از گرفتن آن ندارد، مشتری حق دارد پس از تسلیم ثمن، مبیع را مطالبه نماید و بایع حق امتناع ندارد.

بیع نسیه

در بیع نسیه رعایت چند مسئله ضروری است.

۱. زمان پرداخت ثمن باید معین و مضبوط باشد.

۲. وقتی زمان پرداخت فرا می‌رسد، افزودن بر مبلغ بدهی برای تمدید مدت جایز نیست اما عکس آن جایز است.

۳. اگر چیزی را نسیه بفروشد، خرید آن شی از او قبل از سررسید ثمن و بعد از آن صحیح است چه ثمن بیع دوم از جنس ثمن بیع اول باشد یا نه، چه از جهت مقدار مساوی ثمن اول باشد یا نه، و چه فروش دوم نقد باشد یا نسیه، البته همه این‌ها در صورتی صحیح است که بیع دوم در بیع اول شرط نشده باشد.

اگر با بیع در فروش اول بر مشتری شرط کند که بعد از خرید، مبیع را به خود او بفروشد یا خریدار شرط کند که با بیع بعد از فروش، آن را از خریدار بخرد، صحیح نیست که به آن بیع العینه می‌گویند.

بیع سلف

در بیع سلف شرایطی معتبر است.

۱. جنس و اوصاف مبیع باید به گونه‌ای توصیف شود که جهالت برطرف شود.
۲. مقدار مبیع از جهت وزن، پیمانه، عدد و ... معین باشد.
۳. سررسید تحویل مبیع مشخص و مضبوط باشد.
۴. مشتری قبل از ترک مجلس کل ثمن را پردازد.
۵. مکان تحویل مبیع را معین کنند.
۶. کالای خریداری شده را، قبل از سررسید، نمی‌توان فروخت، نه به خود فروشنده و نه به غیر او، بعد از سررسید فروش آن جایز است، به جنس ثمن اول باشد یا به غیر آن، مساوی ثمن اول باشد یا نباشد، مادامی که مستلزم ربای معاملی نشود.
۷. در سررسید اگر بایع به دلایلی چون نبودن کالا، نتواند مبیع را تحویل دهد، خریدار مخیر است که معامله را فسخ کرده ثمن را پس بگیرد یا منتظر باشد تا بایع متمکن از پرداخت شود، خریدار نمی‌تواند بایع را ملزم به پرداخت قیمت کالا در سررسید نماید.

بیع کالی به کالی

اگر در قرارداد بیع، هم برای تحویل مبیع و هم برای پرداختن ثمن مدت تعیین کنند بیع کالی به کالی نامیده می‌شود. بیع کالی به کالی به چند صورت قابل تصور است،

۱. طلب مدت‌داری با طلب مدت‌دار دیگری مبادله شود، که به آن بیع دین به دین می‌گویند و باطل است.
۲. کالای تحویلی آینده در مقابل ثمن مدت‌دار معامله شود.
۳. مبیع مدت‌دار در مقابل طلب مدت‌دار معامله شود.
۴. طلب مدت‌داری در مقابل ثمن مدت‌دار فروخته شود. مشهور فقها صور دوم تا چهارم را نیز باطل می‌دانند، برخی از فقها این صور به ویژه صورت دوم را صحیح می‌دانند.

اجاره

یکی از قراردادهایی که در طراحی ابزارهای مالی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد قرارداد اجاره است که گاهی به صورت اجاره ساده و گاهی به صورت اجاره به شرط تملیک به کار می‌رود.

تعریف اجاره

اجاره قراردادی است که به موجب آن مستاجر در برابر مالی که به موجر می‌پردازد برای مدت معین، مالک منافع عین مستاجر می‌شود.

ماهیت عقد اجاره

اجاره؛ عقدی تملیکی، معوض، موقت و لازم است.

تعریف اجاره به شرط تملیک

اجاره به شرط تملیک عقدی است که در آن شرط می‌شود مستاجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستاجر را مالک گردد.

اجاره (ادامه)

احکام اجاره

۱. عین مستأجره می تواند مستقل یا مشاع باشد و در صورت مشاع بودن تسلیم عین مستأجره منوط به اذن شرکاء دیگر است.
۲. مقدار منفعتی که به ملکیت مستأجر در می آید باید معلوم باشد.
۳. در اجاره اموال مستأجر از حین عقد مالک منفعت و در اجاره اشخاص، مالک عمل می شود. همچنین از حین عقد موجر و اجیر مالک اجاره بها می شوند.
۴. اگر مالک، در اثناء مدت اجاره، عین مستأجره را به فرد ثالثی بفروشد، اجاره به صحت خود باقی می ماند و خریدار مالک عین مستأجره می شود و مستأجر اجاره بها را به موجراولی می پردازد مگر آنکه در قرارداد بیع خلاف آن شرط شود.
۵. اگر اجاره به هر دلیلی باطل شود مستأجر باید به مقداری که از منافع استفاده کرده است اجرت المثل آن را بپردازد.
۶. اگر موجر، عین مستأجره را به مستأجر تحویل داد اما وی از منافع آن استفاده نکرد و مدت اجاره پایان یافت، باید اجرت مقرر را بپردازد.

جعاله

تعريف جعاله

جعاله عبارت است از، متعهد شدن شخص حقیقی یا حقوقی به پرداخت اجرت (جعل) معین در برابر انجام کار معین. متعهد را جاعل و انجام‌دهنده کار را عامل می‌گویند.

اقسام جعاله

۱. جعاله عام

در جعاله عام توجه اصلی کارفرما (جاعل) به انجام کار است و انجام‌دهنده کار هرکس باشد تفاوتی نمی‌کند، برای مثال دولت اعلام می‌دارد هرکس که بتواند معدن خاصی را کشف کند، مبلغ معینی دریافت می‌کند.

۲. جعاله خاص

در جعاله خاص، کارفرما با عامل معینی کار دارد، به پیمان کار مشخصی اعلام می‌کند چنان چه پروژه معینی را در مدت زمان مشخصی احداث و به بهره‌برداری برساند مبلغ معینی دریافت خواهد کرد.

جعاله (ادامه)

ماهیت جعاله

در این که قرارداد جعاله عقد یا ایقاع است، بین فقها اختلاف است، برخی آن را از عقود می‌دانند در مقابل مشهور فقها آن را از ایقاعات می‌دانند و برخی بین جعاله عام و خاص فرق گذاشته و به عقد لازم بودن جعاله خاص تمایل دارند.

تفاوت جعاله و اجاره

۱. اجاره از عقود لازم است در حالی که به اعتقاد مشهور فقیهان جعاله از ایقاعات جایز است.
۲. کاری که در قرارداد اجاره، فرد برای آن اجیر می‌شود بایستی کاملاً معلوم باشد به خلاف جعاله که می‌تواند تا حدودی مجهول باشد.
۳. در قرارداد اجاره با انعقاد قرارداد مستاجر مالک کار و اجیر مالک اجرت می‌شود در حالی که در جعاله عامل بعد از انجام کار مالک اجرت می‌شود.

شرکت

■ یکی از معاملات رایج در عصر حاضر به ویژه در بازار سرمایه، شرکت است که به انواع و اشکال گوناگون جریان دارد، شرکت علاوه بر اینکه نوع خاصی از قراردادهای مالی است گاهی نتیجه قرارداد و گاهی نتیجه یک حادثه و اتفاق است. بر این اساس فقها وقتی وارد بحث شرکت می‌شوند آن را فراتر از یک قرارداد می‌بینند. در بازار سرمایه مهم شرکت عقدی است.

شرکت عقدی

■ شرکت عقدی، قراردادی است بین دو یا چند نفر تا با مال مشترک بین آنها معامله و داد و ستد انجام شود. ثمره چنین قراردادی آن است که طبق قرارداد تصرف در مال مشترک و کار با آن به هدف کسب سود جایز می‌شود و سود و زیان حاصل به تناسب سرمایه بین شرکا تقسیم می‌گردد.

■ شرکت عقدی نیز همانند سایر قراردادها نیاز به ایجاب و قبول دارد و این ایجاب و قبول با هر زبان و لفظی که بیان شود کفایت می‌کند. برای مثال هر دو بگویند: «شریک شدیم» یا یکی بگوید و دیگر بگوید: «قبول کردم» کافی است. کما اینکه اگر به قصد شرکت اموال خود را با هم مخلوط کرده در فعالیت اقتصادی مانند داد و ستد بکار گیرند کفایت می‌کند.

انواع شرکت

شرکت عقدی به چهار صورت مطرح است که به اعتقاد مشهور فقهای شیعه تنها صورت اول صحیح است.

۱. **شرکت العنان** (شرکت در اموال)؛ دو یا چند نفر به طور مشترک سرمایه یک فعالیت اقتصادی را تأمین می کنند و از طریق آن اکتساب کرده در سود و زیان شریک می شوند.

۲. **شرکت الابدان** (شرکت در کار)؛ دو یا چند نفر پیمان می بندند که هر چه از کار خود بدست می آورند با هم شریک باشند، خواه کارشان یکسان باشد یا متفاوت و خواه مبنای شرکت کار معین باشد یا مطلق کار.

۳. **شرکت الوجوه** (شرکت در اعتبار)؛ دو یا چند نفر بدون اینکه سرمایه ای بیاورند با هم پیمان می بندند که هر کدام اموالی را به صورت نسبه بر ذمه خود بخرد و این اموال از آن هر دو باشد، سپس کالای خریداری شده را بفروشد و بدهی خود را بپردازد و آنچه بجا می ماند سود هر دو باشد.

۴. **شرکت المفاوضه**؛ دو یا چند نفر پیمان ببندند هر چه برای آنها از سود تجارت، فواید زراعت، کسب یا ارث یا وصیت و یا غیر آنها می رسد بینشان مشترک باشد و هم چنین هر غرامت و خسارتی که بر یکی از آنها وارد می شود بر همه باشد.

احکام شرکت

سرمایه شرکت

در عقد شرکت بعد از انعقاد قرارداد کل سرمایه به صورت مشاع به همه شرکا تعلق دارد، اعم از اینکه سرمایه به شکل دارایی‌های فیزیکی مانند زمین و ساختمان، یا دارایی‌های نقدی چون ریال، یا ترکیبی از آن دو، و هیچ یک از اعضا نمی‌تواند سرمایه جداگانه‌ای داشته باشد.

تصرف در اموال شرکت

حق تصرف در مال شرکت طبق توافق قرارداد شرکت خواهد بود، اگر در قرارداد این حق به یکی از شرکا داده شود تنها او مجاز در تصرف خواهد بود و دامنه تصرفات او نیز در حد توافق است.

تقسیم سود و زیان

اگر در قرارداد شرکت در مورد کیفیت تقسیم سود و زیان توافق خاصی نداشته باشند، سود و زیان به نسبت مال هر یک از شرکا بین آنان تقسیم می‌شود. اما اگر در قرارداد کیفیت خاصی را توافق کردند، براساس توافق خاص تقسیم می‌شود.

احکام شرکت (ادامه)

تضمین ضرر احتمالی

به مقتضای اصل اولی شرکت، سود و زیان بر حسب سرمایه تقسیم می‌شود، اما اگر ضمن عقد شرط کنند ضرر احتمالی را یک یا چند نفر از شرکا جبران کنند مانع ندارد، بنابراین برای جلب اطمینان اعضاء شرکت، یک یا چند نفر از آنها که اطلاعات و تجربه کافی دارند می‌توانند ضرر احتمالی را تا مدت معینی یا مطلقاً بر عهده گیرند.

جواز شرکت

عقد شرکت عقد جایز است، اگر برای شرکت مدتی تعیین کنند، لازم نمی‌شود بلی اگر در ضمن عقد لازمی شرط کنند وفای به آن شرط واجب است، همین‌طور شرکت با مرگ، دیوانگی، بیهوشی و محجور شدن یکی از شرکا فسخ می‌شود.

تقسیم و انحلال شرکت

با تقسیم شرکت، شرکت منحل می‌شود، از آنجا که شرکت عقد جایز است هر یک از شرکا می‌تواند قرارداد را فسخ و تقاضای تقسیم کند با تقاضای تقسیم یکی از شرکا بر دیگران واجب است قبول کرده مال شرکت را تقسیم کنند مگر زمانی که به دلایل مختلف چون غیرقابل تقسیم بودن مال شرکت یا کم بودن سهم شرکت فرد، تقسیم موجب ضرر مالی سایر شرکا گردد.

مضاربه

■ مضاربه در لغت یعنی تجارت با سرمایه دیگری و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن فردی (مالک) مالی را در اختیار فردی دیگر (عامل) می‌گذارد تا با آن مال تجارت کند و سود حاصله میان آن دو به نسبت معینی که توافق کرده‌اند تقسیم گردد.

ارکان عقد مضاربه

الف - ایجاب و قبول

ب - طرفین عقد

ج - سرمایه؛ مالی که با آن تجارت می‌شود و دارای شرایط زیر است

۱. عین باشد: بنابراین مضاربه با منفعت و یا دین، صحیح نیست.

۲. نقد باشد. بنابراین مضاربه با جنس و کالا صحیح نیست.

۳. معلوم باشد: مقدار سرمایه باید معلوم و معین باشد.

د - کار (عمل)؛ نوع کاری که باید عامل با سرمایه انجام دهد تجارت است

و اگر عامل از راههای دیگری مثل تولید یا زراعت و غیره، از سرمایه سود

بدست آورد عنوان مضاربه به آن صدق نمی‌کند.

اگر در مضاربه، عامل مکلف به تجارت خاصی نشده باشد مضاربه را مطلق

یا عام و اگر مکلف به تجارت خاصی شده باشد مضاربه را مقید یا خاص

می‌گویند.

ارکان عقد مضاربه (ادامه)

■ **هـ - سود:** فایده‌ای که از عملیات تجارت حاصل می‌شود را سود می‌گویند، این سود شرایطی دارد:

■ ۱. سود مضاربه متعلق به عامل و مالک می‌باشد و اختصاص مقداری از سود به فرد ثالثی که نقشی در عملیات مضاربه ندارد صحیح نیست.

■ ۲. سهم هر کدام از مالک و عامل از سود حاصله باید در ابتدای عقد مشخص شود. این مقدار باید به صورت کسری از کل سود باشد و نمی‌توان مقدار قطعی در نظر گرفت.

■ ۳. زمان تقسیم سود بعد از پایان مضاربه است، اگر مضاربه به هر دلیلی فسخ شود. کالاهای موجود فروخته شده، سپس اصل سرمایه اولیه از آن کم می‌شود، سود باقی مانده به نسبت سهم هر یک از عامل و مالک تقسیم می‌شود.

ماهیت عقد مضاربه

- مضاربه عقدی جایز است پس هر یک از عامل و مالک در هر مرحله از عقد می‌توانند به توجه به نکات زیر عقد را فسخ کنند.
- ۱. اگر ضمن عقد مضاربه شرط لزوم کنند شرط باطل اما مضاربه صحیح است.
- ۲. اگر برای عقد مضاربه مدت تعیین کنند باعث لزوم عقد مضاربه نمی‌شود فقط عامل بعد از مدت مذکور نمی‌تواند بدون اذن جدید مالک در مال تصرف کند.
- ۳. اگر در ضمن یک عقد لازم خارج از مضاربه، شرط لزوم مضاربه را کرده باشند این شرط صحیح بوده و تا پایان مدتی که معین می‌کنند طرفین نباید مضاربه را فسخ کنند.

احکام اساسی عقد مضاربه

۱. کاری را که عامل به عهده می‌گیرد باید در حدّ توانایی او باشد.

۲. عامل نمی‌تواند در برابر کاری که انجام می‌دهد غیر از سهم سود، اجرتی مطالبه کند.

۳. اگر مضاربه عام باشد عامل می‌تواند هر قسم تجارّتی را که صلاح می‌داند انجام دهد. اما اگر مضاربه خاص باشد عامل باید به آنچه شرط شده عمل نماید و چنانچه از امور معین شده تخلف کرد و ضرری به سرمایه وارد شد ضامن است،

۴. اگر کسی مال دیگری را به مضاربه بگذارد مضاربه فضولی بوده و صحّت آن منوط به اجازه مالک اصلی می‌باشد.

۵. عامل امین است و اگر تلف یا عیبی بر مالی که در اختیار دارد عارض شود ضامن نیست مگر اینکه تعدّی یا تفریط کرده باشد. همینطور عامل ضامن زیان وارده بر مال در اثر تجارت نمی‌باشد و همه اینها بر عهده مالک است.

۶. اگر مالک شرط کند که تمام یا قسمتی از زیان معامله بر عهده عامل باشد شرط باطل است اما مضاربه صحیح می‌باشد. اگر این شرط در ضمن عقد لازم خارج عنوان شده باشد لازم الوفاست.

احکام اساسی عقد مضاربه (ادامه)

۷. عامل حق ندارد چیزی از سرمایه را مصرف مخارج خود کند هر چند کم باشد.
۸. عامل باید پس از تحویل سرمایه از مالک، اقدام به تجارت کند و اگر مدتی تجارت را به تأخیر انداخت و سرمایه تلف شد ضامن سرمایه می باشد.
۹. اگر به دلایلی مقداری از سرمایه تلف شد و با بقیه آن سود حاصل شود باید ابتدا، با سود حاصله مقدار تلف شده از سرمایه را جبران کنند سپس اگر چیزی از سود باقی ماند، بین مالک و عامل طبق قرارداد تقسیم می شود.
۱۰. اگر مالک یا عامل فوت کند مضاربه باطل می شود و در صورت فوت مالک، ورثه او می توانند با عامل توافق کنند و مجدداً عقد مضاربه برقرار کنند.
۱۱. عامل نمی تواند بدون اجازه مالک، سرمایه را با مال خود یا مال شخص ثالث مخلوط کند.
۱۲. عقد مضاربه را می توان به صورت جعله منعقد ساخت به این نحو که مالک به عامل بگوید اگر با این مال تجارت کنی و سودی بدست آوری نصف سود مال توست. در این صورت جعله فایده مضاربه را می دهد و نیاز نیست شرایط مضاربه رعایت شود بنابراین می تواند سرمایه، غیر نقد یا دین باشد.

مزارعه

مزارعه در لغت به معنای با هم زراعت کردن یا قرار کشتکاری با هم گذاشتن است. و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین زمینی را در اختیار دیگری قرار می‌دهد که آن را زراعت کرده و محصول را با هم تقسیم کنند.

ارکان عقد مزارعه

الف - طرفین عقد

ب - ایجاب و قبول

ج - زمین: زمینی که مزارع به منظور مزارعه در اختیار عامل قرار می دهد، لازم نیست مالک باشد بلکه اگر تنها مالک منافع آن باشد (مثلاً اجاره کرده باشد) یا به واسطه ولایت و قیومیت حق تصرف در آن را داشته باشد کافی است.

د - نوع زراعت و مدت مزارعه

ه - سهم طرفین از محصول

ماهیت عقد مزارعه

مزارعه عقد لازم است و طرفین فقط در صورت اقاله (رضایت هر دو طرف بر انحلال مزارعه) می‌توانند آن را قبل از پایان مدّت، منحلّ کنند در موارد زیر نیز عقد مزارعه فسخ می‌گردد:

۱. اگر در ضمن عقد برای یک یا هر دو نفرشان خیار فسخ مقرر شود.
۲. مزارع و عامل می‌توانند در صورت غبن معامله را فسخ کنند (خیار غبن)
۳. هر گاه زمین به دلیل فقدان آب یا علل دیگری از قابلیت انتفاع خارج شود و رفع مانع ممکن نباشد.

احکام عقد مزارعه

۱. مزارعه با مرگ یکی از طرفین عقد باطل نمی‌شود و ورثه هر کدام جانشین او می‌شود.
۲. اگر بعد از مزارعه معلوم شود که عقد باطل بوده است محصول بدست آمده مال صاحب بذر است. پس اگر بذر و عوامل دیگر تولید از عامل باشد محصول متعلق به عامل می‌شود او باید اجرت زمین را به صاحب زمین بپردازد و اگر مال صاحب زمین باشد محصول به وی متعلق می‌شود و او باید اجرت‌المثل کار عامل را بپردازد.
۳. عامل می‌تواند فردی را برای زراعت اجیر کند یا با دیگری شریک گردد اما برای انتقال معامله یا تسلیم زمین به دیگری، رضایت صاحب زمین لازم است.

مساقات

مساقات در لغت به معنی آب دادن و یکدیگر را سیراب کردن است. و در اصطلاح عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) باغی را در اختیار دیگری (باغبان) قرار می‌دهد تا او روی آن باغ فعالیت باغداری کند و محصول را با هم تقسیم کنند.

ارکان عقد مساقات

الف - ایجاب و قبول

ب - طرفین عقد:

مساقات دهنده (مالک) و مساقات گیرنده (عامل) باید شرایط عمومی طرفین عقد را دارا باشند. مساقات دهنده باید مالک عین یا منافع درختان باشد و یا به دلیل ولایت یا قیمیت بر مالک درختان یا وکالت از سوی او، حق تصرف در درختان را داشته باشد.

ج - درختان

د - مدت مساقات

ه - سهم طرفین از محصول

ماهیت عقد مساقات

عقد مساقات از عقود لازم است و طرفین عقد تنها در موارد زیر می‌توانند آن را فسخ نمایند:

۱. اقاله (رضایت هر دو طرف بر فسخ معامله).
۲. اشتراط حق فسخ در ضمن عقد برای یک یا هر دو طرف قرارداد.

احکام عقد مساقات

۱. اگر در عقد مساقات، ریز وظایف عامل را معین کرده باشند عامل باید همه آنها را انجام دهد. در غیر این صورت، عامل موظف است طبق عرف رایج عمل نماید.
۲. در صورتی که مباشرت در عمل شرط نشده باشد عامل می تواند برای بعضی از کارها یا تمام آنها، اجیر استخدام کند و اجرت او بر عهده عامل است.
۳. مالکیت طرفین بر سهم خود از محصول زمانی تثبیت می شود که میوه ها ظاهر شده باشند اگر چه کامل نرسیده باشند.
۴. مالیات باغ بر عهده مالک است نه بر عامل، مگر اینکه در ضمن عقد شرط کرده باشند که عامل پردازد.
۵. اگر عقد مساقات به هر دلیلی و در هر مرحله ای باطل شود میوه متعلق به مالک درختان است و عامل، اجرت المثل کارش را دریافت می کند اما اگر علت بطلان، مقرر کردن تمام محصول برای مالک باشد (که یکی از مبطلات مساقات بود) در این صورت عامل اجرت المثل هم نمی گیرد.

صلح

صلح در لغت به معنای سازش و آشتی و توافق است و در اصطلاح شرعی قراردادی است که به موجب آن انسان با دیگری سازش می‌کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند یا از حق خود بگذرد خواه این سازش در برابر عوض یا بدون عوض باشد.

ماهیت قرارداد صلح

به اعتقاد امامیه عقد صلح قرارداد مستقل بوده و شرط آن نیست که مسبوق به نزاع باشد، امام خمینی در این باره می‌فرماید:

«صلح، خودش عقدی مستقل و عنوان جداگانه‌ای است، احکام سایر قراردادها بر آن بار نمی‌شود و شرایط آن‌ها در صلح جاری نمی‌باشد اگر چه فایده آن‌ها را داشته باشد. پس صلحی که فایده بیع را بدهد، احکام و شرایط بیع بر آن بار نمی‌شود. بنابراین نه خیارات مختص به بیع مانند خیار مجلس و حیوان و نه حق شفعه، در آن جاری نمی‌شود، و در صورتی که به معاوضه طلا و نقره متعلق شود، قبض عوض و معوض در آن شرط نیست، و صلحی که فایده هبه را بدهد در آن قبض عین معتبر نیست آن گونه که در هبه معتبر است و هكذا بقیه موارد.»

ارکان قرارداد صلح

۱. ایجاب و قبول:

قرارداد صلح به طور مطلق و در همه جا به ایجاب و قبول احتیاج دارد حتی در مواردی که فایده ابراء و اسقاطی بدهد که فی نفسه احتیاج به قبول ندارند.

۲. طرفین قرارداد

۳. متعلق صلح:

مصالح علیه یا مصالح عنه یا متعلق قرارداد صلح می تواند عین، دین، منفعت یا حق باشد و هر یک از آنها می تواند به صورت با عوض یا بدون عوض باشد، همه این صورتها صحیح است.

احکام صلح

۱. لزوم صلح: قرارداد صلح از دو طرف لازم است و جز با اقاله یا خیار، فسخ نمی شود، حتی در صلح‌هایی که فایده عقود جایزه چون هبه را داشته باشد.
۲. جریان خیارات در صلح: تمام خیارات به جز خیار مجلس، خیار حیوان و خیار تاخیر که از احکام اختصاصی قرارداد بیع است، در قرارداد صلح جاری است و در ثبوت ارش، اقوی عدم ثبوت آن است.
۳. جریان ربا در صلح: اگر به مقدار عوضین جهل داشته باشند و در حالی که احتمال زیاد بودن یک طرف را می دهند مصالحه کنند صحیح است.
۴. صلح دین به دین: در همه حالات مختلف تا زمانی که منتهی به ربا نشود صلح صحیح است.
۵. صلح بر مبلغ دین: صحت صرف نظر از بخشی از بدهی در مقابل پرداخت زودتر از سررسید.
۶. صلح بر سود و زیان: در قرارداد شرکت، جایز است دو شریک صلح کنند بر این که سرمایه از یکی از آنان و سود و زیان برای دیگری باشد.
۷. صلح برای بعد از فوت

جمع بندی قرارداد صلح

تا زمانی که صلح منتهی به حلال کردن حرامی یا حرام کردن حلالی نباشد جایز است. صلح، شرایط اختصاصی قراردادهایی چون بیع، اجاره، جعاله، شرکت، مضاربه و... را ندارد هر چند که می تواند آثار و فواید آنها را داشته باشد، بنابراین می توان:

۱. در مواردی که قراردادی **جایز** است و طرفین می خواهند **لازم** باشد می توانند مفاد آن قرارداد را از طریق صلح انشا کنند. برای مثال می توان مفاد قراردادهای **جعاله مضاربه و شرکت** را به صلح انشا کرد.
۲. در مواردی که به جهت نبود یکی از **شرایط خاص**، **قراردادهای معین** باطل می شود می توان مفاد آن را به قرارداد صلح انشا کرد برای مثال می توان موارد **بیع دین به دین**، **کالی به کالی**، **بیع سلف قبل از سر رسید**، **بیع سلف بدون قبض کل ثمن در مجلس عقد**، **بیع نقدین بدون قبض فی المجلس**، **مضاربه با سرمایه غیر نقدی**، و... را به قرارداد صلح انشا کرد.

جمع بندی قرارداد صلح

۳. در مواردی که ماهیت قرارداد از جهت عقد یا ایقاع بودن و از جهت لازم یا جایز بودن و از جهت نوع معامله **مبهم** است مانند قرارداد **استصناع** و **قرارداد مضاربه در غیرمورد تجارت** (سرمایه از کسی و کار از کسی دیگر در بخش صنعت، کشاورزی، مسکن، معدن و خدمات) می‌توان از قرارداد صلح استفاده کرد. برای مثال بجای قرارداد استصناع که محل اختلاف بین فقها است از مصالحه برای ساخت کالای معین در مقابل بهای معین استفاده کنند یا در مضاربه که از جهت توسعه محل اختلاف است از مصالحه ترکیب کار و سرمایه در بخش صنعت استفاده کنند

اوراق بهادار استصناع

مکمل بازار پول و سرمایه
ایران

تعریف استصناع

واژه استصناع در لغت از باب استفعال از ماده «صنع» است و به معنای طلب و سفارش ساخت چیزی را می‌گویند و در استعمال عرفی عبارت از این است که کسی، ساخت شی‌ای را از صنعت‌گر یا هنرمندی تقاضا کند و در اصطلاح فقهی و حقوقی، استصناع قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین قرار داد، در مقابل مبلغی معین، ساخت و تحویل چیز مشخصی را در زمان معین نسبت به طرف دیگر به عهده می‌گیرد.

تفاوت استصناع با سایر قراردادها

تفاوت‌های قرارداد استصناع با سایر قراردادها

۱. در قرارداد استصناع به طور معمول کالای مورد نظر موجود نیست و سازنده در آینده ساخته و تحویل می‌دهد،
۲. در قرارداد استصناع تهیه مواد اولیه و لوازم کار به عهده سازنده است.
۳. بطور معمول زمان انعقاد قرارداد بخشی از ثمن به عنوان پیش پرداخت داده می‌شود بخش دیگر به صورت دفعی یا تدریجی تا زمان تحویل کالا پرداخت می‌شود.

انواع استصناع

سفارش ساخت به چند صورت قابل تصور است، که از جهت تحلیل فقهی و حقوقی متفاوت هستند.

۱. سفارش ساخت و تکمیل کالا یا طرح نیمه تمام،
۲. سفارش ساخت تعدادی کالای متعارف،
۳. سفارش ساخت کالای خاص،
۴. سفارش احداث طرح یا پروژه‌ای خاص،
۵. سفارش ساخت برای انجام معامله.

ارکان قرارداد استصناع

۱. طرفین قرارداد

در قرارداد استصناع، سفارش دهنده را مستصنع و سازنده را صانع می‌گویند،

۲. عقد (ایجاب و قبول)

قرارداد استصناع همانند سایر قراردادها، نیاز به ابراز اراده و رضایت طرفین به انعقاد قرارداد دارد.

۳. عوضین

کالا یا پروژه‌ای که سفارش ساخت آن داده می‌شود، موضوع قرارداد استصناع یا مستصنع می‌گویند، مبلغی که در قبال ساخت و تحویل کالا یا پروژه پرداخت می‌شود را عوض استصناع می‌گویند.

دیدگاه‌های فقهی و حقوقی پیرامون قرارداد استتناع

۱. استتناع قرارداد باطل

۲. استتناع قرارداد صحیح

۱-۲. استتناع مصداقی از بیع سلف

۲-۲. استتناع به عنوان بیع مستقل

۳-۲. استتناع به عنوان اجاره یا جعاله

۴-۲. استتناع به عنوان قرارداد مستقل

۵-۲. استتناع در قالب قرارداد صلح

انجام استصناع در قالب قرارداد صلح

■ با توجه به اختلاف دیدگاه‌ها پیرامون استصناع به نظر می‌رسد انجام استصناع از طریق قرارداد صلح مناسبترین راهکار حقوقی باشد

■ صلح قراردادی است که به موجب آن انسان با دیگری توافق می‌کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب، یا از حق خود بگذرد که او هم در عوض، مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به او واگذار نماید، یا از طلب، یا حقی که دارد بگذرد یا متعهد می‌شود عمل خاصی را در مقابل قیمتی انجام دهد.

مزایای انجام استصناع در قالب قرارداد صلح

۱. صلح قراردادی لازم است.

۲. موضوع قرارداد صلح وسعت دارد، سفارش ساخت و طراحی انواع کالاها، پروژه‌ها، طرح‌های عمرانی، خدماتی، طراحی برنامه‌های آموزشی و تربیتی، همه را در بر می‌گیرد.

۳. در قرارداد صلح، طرفین می‌توانند به هر نحوی که بخواهند روی اوصاف موضوع قرارداد و کیفیت پرداخت بهای آن از جهت زمان و مکان و نحوه پرداخت به توافق برسند.

۴. در قرارداد صلح طرفین می‌توانند برای پرهیز از ضرر و زیان خود انواع پیشامدها را پیش بینی کرده متناسب با آن شرط مناسبی چون شرط خیار فسخ بگنجانند.

تعریف اوراق استصناع

اوراق استصناع، اوراق بهاداری هستند که دارندگان آنها به صورت مشاع مالک دارایی مالی (دینی) هستند که براساس قرارداد استصناع حاصل شده است. این اوراق قابل مبادله در بازار ثانوی بوده و دارای بازده معین است.

انواع اوراق استصناع

■ وزارت خانه ها، شهرداری ها، شرکت های دولتی و بخش خصوصی برای تأمین مالی طرح های عمرانی و توسعه های می توانند از طریق استصناع اقدام کنند و این به دو روش قابل اجرا است.

■ روش اول: استصناع مستقیم

■ روش دوم: استصناع غیر مستقیم

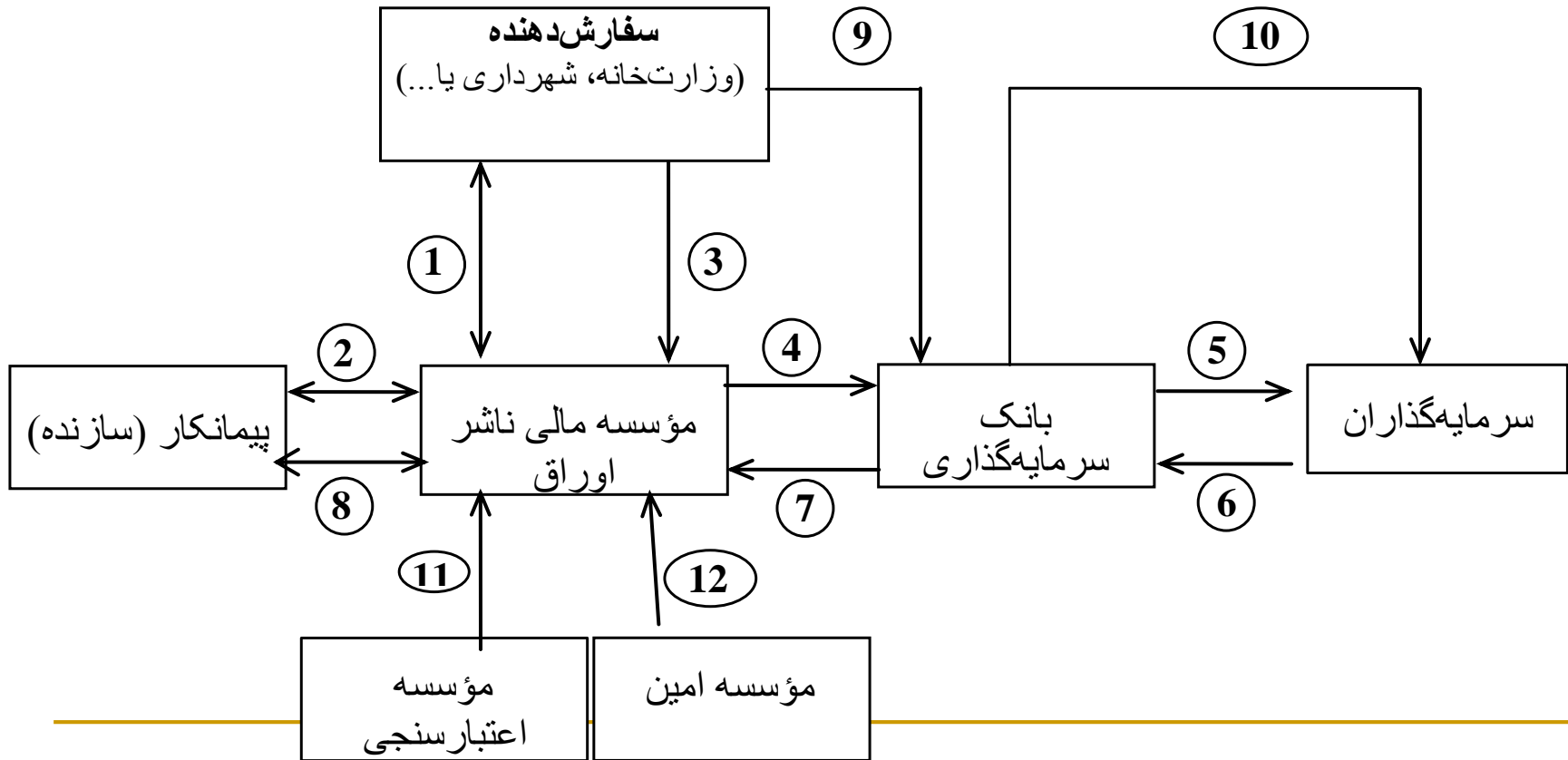
استصناع مستقیم

در این روش سفارش دهنده که در صدد احداث پروژه خاصی است و اعتبار مالی لازم برای انجام آن را ندارد، با تشکیل یک موسسه مالی موقتی (SPV) تامین مالی و اجرای پروژه را از طریق قرارداد استصناع (صلح) به آن می سپارد و به جای قیمت آن اوراق بهادار استصناع با سررسیدهای معین می پردازد. موسسه مالی نیز طبق قرارداد استصناع دومی ساخت پروژه مورد نظر را به پیمانکار (سازنده) مربوطه سفارش می دهد و در مقابل متعهد می شود قیمت پروژه را طبق زمان بندی مشخص به سازنده بپردازد، موسسه مالی اوراق بهادار استصناع را از طریق بانک سرمایه گذاری به مردم می فروشد (تنزیل می کند) و بدهی خود به پیمانکار را می پردازد.

مثال استصناع مستقیم

وزارت راه، با تشکیل یک موسسه مالی خاص از طریق قرارداد استصناع اجرای پروژه معینی را می‌خواهد، موسسه مالی انجام پروژه را در مقابل هزار میلیارد ریال متعهد می‌شود وزارت راه نیز متعهد می‌شود آن مبلغ را به صورت اوراق استصناع با سررسیدهای معین پردازد. سپس موسسه مالی براساس قرارداد استصناع دوم ساخت پروژه را به پیمانکار خاصی واگذار می‌کند، پیمانکار متعهد می‌شود پروژه را طبق زمان بندی مشخص مثلاً سه ساله تحویل دهد و موسسه مالی نیز متعهد می‌شود مبلغ هفتصد میلیارد ریال طبق زمان بندی مشخص به پیمانکار پردازد، بعد از شروع پروژه، وزارت راه متناسب با پیشرفت پروژه، هزار میلیارد ریال را به صورت اوراق استصناع در اختیار موسسه مالی می‌گذارد که در سررسیدهای مشخص قابل وصول هستند، موسسه مالی این اوراق بهادار را از طریق بانک سرمایه‌گذاری نزد مردم تنزیل می‌کند، آنگاه از محل وجوه بدست آمده بدهی خود به پیمانکار را می‌پردازد.

مدل عملیاتی استصناع مستقیم



روابط حقوقی در استصناع مستقیم

۱. مؤسسه مالی، مطابق قرارداد استصناع اول متعهد می شود پروژه خاصی را در مقابل مبلغ معینی احداث کند.
۲. مؤسسه مالی با پیمانکار قرارداد استصناع دوم را منعقد می کند.
۳. سفارش دهنده معادل بهای پروژه اوراق استصناع به مؤسسه مالی می پردازد.
۴. مؤسسه مالی اوراق استصناع را در اختیار بانک سرمایه گذاری می گذارد.
- ۵ و ۶. بانک سرمایه گذاری با فروش اوراق، وجوه مردم را جمع آوری می کند.
۷. بانک سرمایه گذاری قیمت اوراق را به مؤسسه مالی می پردازد.
۸. مؤسسه مالی از محل فروش اوراق، بدهی خود به پیمانکار را می پردازد.
۹. سفارش دهنده در سررسید، مبلغ اسمی اوراق را به بانک سرمایه گذاری می دهد.
۱۰. بانک سرمایه گذاری مبلغ اسمی اوراق را به سرمایه گذاران می دهد.
۱۱. مؤسسه اعتبارسنجی که به پیشنهاد مؤسسه مالی و با تأیید سازمان بورس اوراق بهادار یا بانک مرکزی تعیین می شود اعتبار سفارش دهنده، اعتبار مؤسسه مالی، نرخهای قرارداد را کنترل و رتبه آنها را اعلان می کند.
۱۲. مؤسسه امین که به پیشنهاد مؤسسه مالی و تأیید سازمان بورس یا بانک مرکزی تعیین می شود بر فرایند انتشار اوراق از ابتدا تا انتها نظارت می کند.

استصناع غیر مستقیم

گاهی طرح چنان بزرگ است که یک پیمانکار توان انجام آن را ندارد در این موارد سفارش دهنده می‌تواند از طریق موسسه مالی یا بانک اقدام کند، برای مثال وزارتخانه‌ای، احداث پروژه خاصی (مثل ساخت فرودگاه بین‌المللی) را طبق قرارداد استصناع از یک بانک می‌خواهد بانک متعهد می‌شود در قبال مبلغ مشخصی که در طول زمان بندی معین دریافت می‌کند، پروژه را تا سه سال ساخته و تحویل دهد، سپس بانک آن پروژه را در قالب پروژه‌های کوچک‌تر تعریف کرده با چند پیمانکار قرارداد استصناع می‌بندد.

در این روش نیز وزارت خانه مربوطه به تناسب پیشرفت پروژه اوراق بهادار استصناع را که به تناسب قرارداد، دارای سررسیدهای معین هستند در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک آنها را در بازار ثانوی به مردم فروخته بدهی خود به پیمانکاران را می‌پردازد.

روابط حقوقی در استصناع غیر مستقیم

۱. بانک بر اساس قرارداد استصناع متعهد می‌شود در مقابل مبلغی معین در مدت زمان معین پروژه خاصی را ساخته و تحویل دهد.
۲. سفارش‌دهنده قیمت پروژه را به صورت اوراق استصناع با سررسیدهای مشخص به بانک می‌پردازد.
- ۳ و ۴. بانک تجاری قرارداد استصناع دیگری با پیمانکار می‌بندد مبنی بر اینکه پیمانکار پروژه را طبق زمانبندی معین ساخته و تحویل دهد و بانک به تناسب پیشرفت پروژه قیمت را بپردازد.
- ۵ و ۶. بانک تجاری اوراق استصناع را به مردم می‌فروشد و بدهی خود به پیمانکار را می‌پردازد.
- ۷ و ۸. بانک تجاری در سررسید اوراق استصناع، مبلغ اسمی اوراق را از سفارش‌دهنده تحویل گرفته و به سرمایه‌گذاران می‌پردازد.
- ۹ و ۱۰. در این نوع نیز مؤسسه اعتبارسنجی و مؤسسه امین که توسط سازمان بورس یا بانک مرکزی تأیید شده‌اند مسئولیت‌های تعیین رتبه اعتباری و نظارت و کنترل را به عهده خواهند داشت.

بازار ثانوی اوراق استصناع

انتظار می‌ورد بازار ثانوی فعالی برای خرید و فروش اوراق استصناع شکل گیرد و متناسب با مدت و مبلغ اسمی اوراق، قیمت بازاری آنها معین گردد و ابزار جدیدی شبیه اوراق مشارکت، با نرخ بازدهی معین وارد بازار سرمایه شود. از آنجا که بازار ثانوی اوراق استصناع بر پایه خرید و فروش دین است، نیاز به بررسی فقهی و حقوقی آن است.

مبنای فقهی بازار ثانوی اوراق استصناع

مشهور فقیهان شیعه، عملیات تنزیل اسناد تجاری نزد شخص ثالث (مثل بانک) را در صورتی که سند حقیقی باشد، از مصادیق بیع دین دانسته و مجاز می‌شمرند.

براین اساس می‌توان در بازار ثانوی، اوراق استصناع را خرید و فروش کرد، چون اوراق استصناع اسناد تجاری بر اساس قرارداد استصناع و در مقابل انجام عمل اقتصادی و واقعی است. برای مثال وزارت نیرو احداث نیروگاهی را به ارزش ده میلیارد ریال به پیمانکاری سفارش می‌دهد و در مقابل اسناد مالی یک تا ده ساله می‌پردازد، پیمانکار می‌تواند کل یا بخشی از آن اسناد را تنزیل کرده به مردم یا به بانک‌ها واگذار کند.

مبنای حقوقی بازار ثانوی اوراق استصناع

عملیات خرید دین بر مبنای آئین نامه موقت تنزیل اسناد و اوراق تجاری (خرید دین) انجام می گیرد، این آئین نامه در جلسه ۲۶/۸/۱۳۶۱ شورای پول و اعتبار به تصویب رسیده و متعاقباً در شورای نگهبان مطرح و به اکثریت آرا مغایر با موازین شرعی و قانون اساسی شناخته نشده است، اصلاحیه بعدی آئین نامه مورخ ۲۴/۹/۱۳۶۶ به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است.

مطابق مواد آئین نامه، بانکها بایستی بر حقیقی بودن بدهی و معتبر بودن بدهکار اطمینان پیدا کنند. و تنها اسنادی قابل تنزیل است که سررسید آنها کمتر از یک سال باشد، بنابر این برای تنزیل اوراق استصناع نیاز به تجدید نظر در آئین نامه است.

اوراق استصناع به عنوان ابزار سیاست مالی

با استفاده از روش استصناع وزارتخانه‌ها، شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها می‌توانند کسری بودجه خود را برای ساخت طرح‌های عمرانی تأمین کنند و از آن جا که سررسید این اوراق به طور عمده پس از اتمام و بهره‌برداری از طرح است، سرمایه‌گذاری از این طریق یا اصلاً اثر تورمی نخواهد داشت و یا خیلی ملایم خواهد بود و در مقایسه با روشهای دیگر تأمین کسری بودجه، مانند استقراض از بانک مرکزی، روش انتشار اوراق استصناع خیلی مناسبتر است.

اوراق استصناع به عنوان ابزار سیاست پولی

در کشورهای اسلامی که اوراق قرضه ممنوع است و بانک مرکزی نمی‌تواند از طریق خرید و فروش اوراق قرضه، سیاست پولی عملیات بازار باز داشته باشد می‌توان از طریق خرید و فروش اوراق استصناع به این هدف رسید، به این معنا که در زمان رکود که بانک مرکزی تصمیم بر سیاست پولی انبساطی دارد وارد بازار ثانوی اوراق استصناع شده با پیشنهاد قیمت بالاتر اقدام به خرید اوراق استصناع در دست مردم و بانک‌های تجاری کرده به این ترتیب حجم پول جامعه و قدرت اعتباری بانک‌ها را افزایش می‌دهد و در شرایط تورمی که تصمیم بر سیاست پولی انقباضی دارد با کاهش قیمت اوراق استصناع اقدام به فروش آنها کرده نقدینگی جامعه را کنترل می‌کند.

جمع بندی نهایی

در مجموع می توان گفت: انتشار اوراق استصناع از یک سو ابزار مالی مطمئنی در اختیار سرمایه گذاران ریسک گریز و متعارف قرار می دهد و از سوی دیگر ابزار مناسبی برای دولت، شهرداری ها و بنگاه های اقتصادی جهت تامین مالی طرح ها خواهد بود و در نهایت مکمل خوبی برای اوراق مشارکت و رونق دهنده بازار سرمایه ایران می باشد، و امتیاز برجسته ای که نسبت به اوراق مشارکت دارد این است که اولاً، بازدهی معین دارد و ثانیاً، برای فعالیت های کوچک، متوسط و بزرگ، قابل طراحی است.